

اول ماه می جشن همبستگی جهانی طبقه‌ی کارگر گرامی باد!

بیانیه‌ی گرایش کمونیسم شورایی

اول ماه می، روز جهانی کارگر، یادآوری ضرورت همبستگی و نیز پایگاه مشترک همه‌ی کارگران و زحمتکشان در سراسر گیتی است. شرایط بسیار متفاوت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی در کشورهای مختلف جهان بر مبارزات این طبقه لاجرم تنوع و گونه‌گونی بسیار پرشماری بخشیده است. بورژوازی و نظام سرمایه‌داری در همه‌ی کران تا کران گیتی بر تشدید استثمار طبقاتی و بهره‌کشی از این طبقه به طور شبانه روزی عمل می‌کند. دولت‌ها چونان «بازوی اجرایی دولت مدرن صرفاً هیئتی برای مدیریت امور عمومی کل بورژوازی است». به رغم این واقعیت اما طبقه کارگر در کشورهای گوناگون وظایف و تکالیف متفاوتی را بر دوش می‌کشد؛ و از این رو باید برای حل این تکالیف تاریخی نبرد ویژه‌ی خود را در مقیاس ملی سازمان دهد. ۱۷۰ سال پیش «مانیفست کمونیست» بیان داشت: «هر چند درون‌مایه‌ی پیکار پرولتاریا با بورژوازی، ملی نیست؛ اما در آغاز از نظر شکل ملی است. بدیهی است که پرولتاریای هر کشور در وهله‌ی نخست باید کار را با بورژوازی خودی به فرجام رساند».

هم اکنون در ایران تحت سیطره‌ی رژیم اسلامی، ارتجاع سیاسی حاکم به عنوان «بازوی اجرایی دولت مدرن» عقب مانده‌ترین شیوه‌های استثمار و اداره‌ی جامعه را با اتکا به ایدئولوژی فرقه‌ای، سپاه پاسداران و اوباش خیابانی علیه کارگران، زنان، فرهنگیان، بازنشستگان، دانشجویان، اقوام و دیگر اقشار زحمتکش به کار گرفته است. به ویژه سرکوب زنان آزاده و مخالف حجاب اجباری در هفته‌های اخیر موج تازه‌ای از حرکات وحشیانه مزدوران رژیم در عرصه خیابان را به ظهور رسانده است. جنبش آزادی‌خواهانه زنان کشور به عنوان ستون اساسی تحولات دموکراتیک و آزادی‌خواهانه سهم مهمی را در زنده نگه داشتن سنت‌های اعتراضی و دموکراتیک علیه ارتجاع حاکم پدید آورده است. وضعیت فلاکت بار اقتصادی و اجتماعی محصول مستقیم این حاکمیت ارتجاعی است.

مرکز آمار، نرخ بیکاری جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر در پاییز ۱۴۰۲ را ۷.۶ درصد اعلام کرد. نرخ اشتغال مردان نسبت به زنان ۵ برابر می‌باشد. این نشانه‌ی آشکار سهم حاشیه‌ای اشتغال زنان در اقتصاد کشور هست. می‌توان نتیجه گرفت که سهم مشارکت و مداخله‌ی زنان در عرصه‌ی اداره‌ی کشور و نیز در تصمیم‌گیری‌های مختلف از این هم کمتر است. تورم ۵۰ درصدی و بیشتر در اقلام اساسی مورد مصرف روزانه‌ی خانوارها، رکود اقتصادی مزمن که خود را به صورت رشد اقتصادی کمتر از ۲ درصدی طی ۳۰ سال اخیر نشان می‌دهد و پیامدهای آن که عبارت از تعطیلی کارخانه‌ها و اخراج‌های پرشمار و به اصطلاح تعدیل نیروی انسانی است، سطح پایین دستمزدها به طوری که تخمین زده می‌شود حداقل دستمزد مصوبه برای سال جاری ۴ بار زیر خط فقر است، به روشنی وضعیت فلاکت بار و بی‌آینده و تیره و تاریک میلیون‌ها انسان ایرانی را به رخ می‌کشد.

از سوی دیگر همراه با سرکوب بی‌شرمانه‌ی جنبش زنان که برای رفع حجاب اجباری می‌رزمند و بازداشت و محکومیت هزاران انسان معترض در جنبش‌های مختلف کارگری و اجتماعی و ادامه «قتل عمد دولتی» توسط احکام صادره‌ی دستگاه قضایی دست‌آموز نهادهای سرکوبگر سپاه پاسداران و نهادهای امنیتی با شمار نزدیک به ۱۰۰۰ تن در هر سال، و بسیاری فجایع دیگر، رژیم اسلامی را کاملاً از مشروعیت و کفایت سیاسی ساقط کرده است.

شکست مفتضحانه رژیم در مداخله‌گری خارجی‌اش توسط مزدوران منطقه‌ای‌اش در جنگ بین اسرائیل و حماس و دیگر همدستان و موجب بگیریان جنایتکارشان، ته مانده‌های نقش خانناهی و مزورانه دفاع از «آرمان فلسطین» را نقش بر آب کرده است.

جامعه با عبور از فلاکت اقتصادی هم اکنون در یک بحران سیاسی همه جانبه در غلطیده است. این بحران چنان است که دیر یا زود ضرورت حل قطعی آن در پیش پای توده‌های کارگر و زحمتکش و همه‌ی ستم دیده‌گان ایران را در دستور کار قرار می‌دهد. امری که نر دوره‌های پیشین به شکل محدودتری به مصاف مستقیم با رژیم می‌انجامید در آینده‌ی نزدیک با عمق و گسترش بسیار افزون‌تری، توده‌های میلیونی با آن دست و پنجه نرم خواهند کرد. جنبش کارگری در ربط با جنبش‌های اجتماعی وظایف سنگینی را بر عهده دارد. این طبقه بنا به منافع همبسته و جمعیت پرشمار و میلیونی‌اش، با اتکا به اعتراض‌ها و اعتصاب‌های چندین دهه‌ی اخیر، علیرغم پراکندگی و بی‌سازمانی، کاملاً در مرکز هر تغییر و تحول سیاسی در آینده‌ی سیاسی کشور قرار می‌گیرد. از این رو بر فعالین این جنبش رواست که با دوراندیشی، واقع بینی و روشنی هرچه بیشتر خود را برای نبردهای امروز و فردای انقلاب ایران آماده نمایند.

جنبش شورایی به عنوان اصیل‌ترین، سراسرترین و مهم‌ترین ابزار و نهاد جنبش کارگری و جنبش‌های اجتماعی دیگر نقش آلترناتیوی و استراتژیک برگشت ناپذیری را بر عهده دارد. هرگونه شرط و شروط، تقلیل گرایی و فروگاهی نسبت به امر اداره‌ی شورایی، واقعیتی که متأسفانه به سبب فرقه گرایی دیرپا و ناموجه به شدت بر اپوزیسیون چپ سازمانی حاکم است، در عرصه مبارزه طبقاتی و جنبش‌های اجتماعی یک گمراهی آشکار، خطرناک و غیر قابل بخشش می‌باشد.

گرایش کمونیسم شورایی به عنوان گرایشی در درون جنبش شورایی با پای فشردن به برپایی یک جامعه‌ی آزاد و دموکراتیک بر اساس اداره‌ی شورایی توسط توده‌های کارگر و زحمتکش و اصل خودمختاری همه‌ی عاملان عرصه تولید و خدمات و فرهنگ در چارچوب نظام شورایی جامعه، گرمترین دروهای خود را به همه‌ی آزادی‌خواهان و پیکارگران عرصه‌ی مبارزه علیه رژیم بورژوایی حاکم اعلام می‌دارد.

زنده باد همبستگی جهانی طبقه‌ی کارگر همه‌ی کشورها!

پیروز باد رزم متحدانه و سراسری کارگران و زحمتکشان ایران!

برقرار باد آزادی برابری اداره‌ی شورایی!

گرایش کمونیسم شورایی

اول می ۲۰۲۴ - ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۳